

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

شماره - دهم

دی ماه ۱۳۳۵

آرمانها

دوره - سی و پنجم

شماره - ۱۰

تاسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحیدزاده دستگردی - نسیم)

روزگار شاعری و نویسندگی !

یکی از متشاعران معاصر که چون دیگر همکاران متذوق و بی‌مایه خود غالباً سخنانی ناموزون بهم میبافد و سخت علاقه‌مند است که از طریق مطبوعات و رادیو بسمع مردم برساند تا بزعم خویش کسب نام و شهرتی کرده باشد و اخیراً نیز همان اراجیف و پریشان‌گوئیها را بصورت دیوانی که تنها از لحاظ کاغذ و چاپ دقتی در آن بکار رفته منتشر ساخته یکی از گفته‌های غرای خود را ! برای درج در آرمغان ارسال داشته بود که متأسفانه علاوه بر اغلاط فراوان دستوری و ترکیبیات نامتناسب چون‌غاری از هر گونه لطف و ذوق شاعرانه بود از درج آن بداند صورت خودداری نمودیم. بحکم وظیفه و یا به پیروی از اندرز شیخ اجل شیراز که میفرماید :

دو چیز طیره عقل است دم فرو بستن

بوقت گفتن و گفتن بوقت خاموشی

بوسیله تلقن باین گوینده شهیر یادآوری نمودیم که هر گاه در این شاهکار خود

که بارها در رادیو و تلویزیون خوانده شده و در مطبوعات به چاپ رسیده تجدید نظری بفرمایند و تغییراتی چند در بعضی ترکیبات و تشبیهات که خارج از اصول دستور زبان و فصاحت و بلاغت است بدهند بسیار بجا و ضروری خواهد بود.

از پاسخ متغیرانه وی مشاهده کردید که او خود را برتر از فردوسی و نظامی و سعدی میداند و صحیح و معقول آنست که او گفته و از این پس سخنان منظوم و منثورش باید میزان صحت و فصاحت زبان فارسی و سرمشق گویندگان و نویسندگان آینده باشد!

این است سطح تفکر و فرهنگ کسانی که در این ایام با عدم بضاعت علمی و روحی پراز نخوت و تکبر که طبعاً چنین افراد کمراهی از زون و قریحه ذاتی نیز بی نصیب بوده خود را شاعر و نویسنده محقق میدانند و مطالب و سخنان بی سروته و پریشان خود را که بیشتر بهذیان گویی شباهت داشته بوسیله رادیو و مطبوعات از نظر مردم میگذرانند و پس از چندی بصورت مجموعه‌ای بکمک کتابفروشان در دسترس خوانندگان ساده لوح قرار میدهند.

در آن روزگاران که بازار سخنوری و دانشوری رونقی بسزا داشت و در هر عهده‌ی ده‌ها گوینده‌ی استاد و نویسنده‌ی دانشور قدم بعرضه وجود مینهاد و با مرگ یکی محفل شعری و ادب بدون سرپرست و رهبر نمیماند بدان سبب بود که سخنوران و دانشمندان با دارا بودن نبوغ و قریحه طبیعی رنج تحصیل را بر خود هموار میساختند و در پی کسب القاب و عناوین دروغین نبودند و بیاداش اندوختن فضل و هنر از تواضع و فروتنی نسبت با استادان خویش که نخستین شرط ادب و دانش پژوهی است هیچگاه ننگ و عار نداشتند.

فرهنگ و دانش کهن ایران در پرتو همین سنتها و رسوم فرحنده ملی بود که توانست آنهمه دانشوران و هنروران نامداری را در دامان خویش تربیت نماید و کنجینه‌های عظیمی از علم و هنر را که مایه مباهات و سربلندی عالم انسانی است بوجود

آورده افتخارات جاودانی برای این سرزمین بیادگار گذارد .

بی‌اعتنائی و لاقیدی نسبت بآداب و رسوم دیرین که از ارکان اولیه بقاء وقوام ملیت بشمار میرود ، تظاهر بدانشوری و هنرمندی بدون توجه بحقایق دانش و معرفت، عوالم مادی گری و تلاشهای بی‌خردانه بمنظور دسترسی بجاه و مال بهر طریقی که ممکن گردد و بالاخره فناعت نمودن بظواهر فریبنده القاب و عناوین بی‌پایه که منحصرأ از جهات مادی امتیازاتی در بردارد موجب گردیده که علم و ادب از لحاظ کیفیت همواره راه انحطاط بویید و این نگرانی نیز بوجود آید که محیط مدارس و مکاتب امروز ایران دیگر قادر بتربیت دانشمند و محقق و ادیب واقعی نباشد .

براستی توان گفت که در تمام دوران مشروطیت و ایجاد مدارس جدیده مردی فاضل و محقق که بتواند او را بایکی از فضایل درجه سوم گذشته مورد مقایسه قرارداد از محیط این کانونهای علم و ادب برنخاسته و بدون مبالغه عوامل مذکور در فوق موجب گردیده که پیوسته سطح دانش و معلومات دانشجویان راه قهقرائی بویید و چون دوران تحصیل آنان پایان رسید باهمان عناوین موهوم و راه و روشی که از کبر و نخوت سرچشمه گرفته وارد اجتماع کردند و با اندک محفوظات ناقص و پراکنده‌ای که آنهم پس از چند ماهی فراموش خواهد شد خود را دانشمندی بی‌نظیر و استادی بی‌همال بدانند !

تکبر و غرور یکی از ناپسندترین صفات انسانی است که هیچگونه رابطه‌ای با عوالم دانش و فرهنگ نداشته و کسانی که متصف باین صفت ناپسند میباشند بدون تردید از علم و هنر عاری بوده آنانرا نمیتوان حتی در زمره يك آدم معمولی بحساب آورد . هرچه مراحل دانش و فضیلت برتر و عالیتر باشد آثار تواضع و فروتنی بیشتر آشکار گردیده و در پرتو کسب کمال و خرد است که آدمی خود را از خاک ناچیزتر و از هوری ضعیف‌تر میشمارد .

وحیدزاده - نسیم

عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

نهضت‌های ملی ایران

(۳۳)

جریان واقعه مرگ محمد امین خلیفه عباسی را غیر از آنچه در گذشته بیان شد طریق دیگر نیز نقل کرده اند .

از جمله احمد بن سلام خدمتگزار مخصوص امین که در شب ملاقات امین و هرثمه در قایق مخصوص همراه مخدوم خود بود چنین گفته است : وقتی که سر بازان خراسانی قایق حامل امین و هرثمه را در رود دجله غرق کردند من نیز شنا کنان خود را بساحل رود رساندم، تنی چند از افراد ظاهر دستگیرم نمودند و چون خواستند مرا بقتل برسانند من با وعده پرداخت دوهزار درهم که فردا صبح با آنان بدهم از مرگ رهائی یافتم و با انتظار وصول مبلغ مذکور مرا در اطاق تاریکی زندانی کردند .

من در آن حجره بودم ناگاه در باز شد و مشاهده کردم مرد عریانی که جز سر او بیل و عمامه چیزی در بر نداشت در حالیکه بر کتفش خرقه‌ای انداخته بودند محبوسانه او را داخل اطاق کردند و در را بستند ، وقتی آن مرد در جای خود مستقر شد و عمامه از سر و صورت خود برداشت نگریستم مخدوم محمد امین بود آهسته صدائی کردم امین مرا دید و گفت تو کیستی ؟ گفتم من احمد بن سلام غلام توهستم پس گفت احمد نزدیک من بیا و مراد بر گیر که من وحشت سختی در خود مییابم ، نزدیک رفتم و او را در آغوش گرفتم ، دیدم دلش در اضطراب و خفقان است پس گفت بگو برای من که برادرم مأمون زنده است ؟ گفتم اگر زنده نبود برای چه این جنگها شد ؟

گفت بمن گفتند که او مرده است گفتم خدا زشت کند صورت نزدیکان تو را

که تورا باین موضع رسانیدند ، گفت اکنون وقت عتاب نیست و تقصیر آنها نبود گفتم ای سیدمن این خرقه را دور افکن ، گفت کسی که حالش مثل حال من باشد این خرقه هم برای او زیاد است ، پس گفت ای احمد شکی ندارم که مرا بنزد برادرم مأمون خواهند برد آیا بنظر تو مأمون مرا میکشد ؟ گفتم: نمیکشد زیرا علاقه رحمدل او را بر تو مهربان خواهد کرد ، گفت : (هیئات الملك عقیم لارحم له) گفتم امان هر ثمه امان برادرت مأمون محسوب میشود و پس او را استغفار و ذکر خدا تلقین میکردم که ناگاه در اطاق گشود شد و مردی با سلاح وارد شد و نگاهی بصورت محمد امین کرد و بیرون رفت و در رابست من دانستم که محمد را خواهند کشت پس زمانی نگذشت که جمعی از اعاجم (منظور همان ایرانیان باشند) با شمشیرهای برهنه آمدند که محمد را بکشند آن جماعت تا نزدیک در اطاق آمدند و هر یک بدیگری میگفت اول تو داخل شو و با وحمله کن در این موقع امین بالشی بردست گرفت و گفت من پسر عموی رسول خدا و پسر هارون الرشید و برادر مأمون هستم پس یکی از غلامان طاهر داخل شد و ضربتی بر پیشانی محمد امین زد و محمد بالشر را جلوسورت نگه داشت و خواست شمشیر را از او بگیرد که آن مرد بفارسی صدا زد که محمد مرا کشت آن جماعت داخل شدند و بر محمد امین هجوم بردند و یکی شمشیر بر تهیگاه اوزد که محمد بر رودر افتاد آنگاه سرش را بریدند و بنزد طاهر بردند (۱) یکی از زنان محمد امین دختر عیسی بن جعفر بود که در فتنه بغداد او را بزنی گرفته بود این زن فصیحهئی نیکو روی و شاعره بوده و پس از مرگ امین در رثاء او اشعاری سروده است .

اعلام خیر مرگ امین

بعد از کشته شدن محمد امین خلیفه عباسی (چهارم صفر سال ۱۹۸ هجری) مردم بغداد در دفاع از شهر خود همچنان پایداری میکردند . طاهر برای آگاهی آنان سر

امین‌را بر نیزه‌های برافراشت و آن‌را بار دو گاه خود در (بستان) برد (۱)
مردم بغداد بادیدن سر بریده امین اطمینان یافتند که فرمانروای بی‌تدبیر آنان
کشته شده است بهمین جهت دست از جنگ و مقاومت برداشتند و پایتخت پر شکوه عباسیان
بتصرف طاهر ذوالیمینین و سربازان خراسانی درآمد .

برخی از مورخان نوشته‌اند که طاهر قبلاً در مورد پایان کار امین پس از غلبه بروی
از برادرش مأمون کسب تکلیف کرد و مأمون نیز پیراهنی گریبان دریده در پاسخ برای
وی فرستاد ، طاهر دانست که منظور مأمون کشتن امین است .

بهر حال چنانچه این قول درست باشد یا نباشد باید نظر گرفتن جمیع جوانب سیاسی
و اتفاقات و همچنین احساسات ملی غالب شدگان و سردار باشهامت آنان ، هر گاه امین
در شرایط موجود قطعی و مسلم بود .

پس از گشوده شدن دروازه‌های بغداد و تسلط قطعی طاهر و یاران وی بر شهر بغداد
چون انتظار میرفت هر ثمه جریان وقایع محاصره بغداد و قتل امین را بنفع خود و به ضرر
طاهر به مأمون گزارش نماید .

طاهر بخط خود نامه‌ای برای مأمون نوشت و سر امین و انگشتر و ردای خلافت را
برای او به مرو فرستاد و در نامه چنین نوشت : (چون محمد امین به هر ثمه کس فرستاد
وزنهار خواست که پیش او شود و به من ایمن نبود از بسیاری حربها که کردم ، و مدارا
نکردم ، او مرا تهمت کرد و خویشتن را به هر ثمه استوار داشت و هر ثمه بسبب اندرز و زورق
بیامد به بلب دجله با محمد و من با سپاه بر لب رود بودم تا چون از دجله بیرون آید حق او
بگذارم چون میان دجله آمد زورق غرق شد که محمد شنا کرد و خود را بلب دجله افکند
و پنداشت که هر ثمه با او غدر کرده از زنهار خواستن پشیمان گشت چون بلب رود رسید
بعلامت خویش بانگ کرد ، محمد منصور و سپاه خویش را بخواند تا بیایند و دیگر باره

حرب کنند. مردمان را بگفتیم که اورا بگیرید ولی او شمشیر بر کشید و حرب کرد تا کشته شد، پس مردمان بغداد دیگر روز حصار ندادند و کشتن او استوار نداشتند و من خواستم که بر همه روشن شود سرش بر گرفتم چنانکه عادت ملوک است و بردر شهر مردمان را بنمودم تا ایمن شدند و پراکنند و مردمان عیار فسادکار هر یکی بجای خویش شدند و فتنه بنشست و شهر بگرفتم و سراو اینک فرستادم (۱).

در نامه دیگر طاهر گزارش اقدامات و فعالیت‌های کلی خود را از روزی که از خراسان بیرون آمده و آنچرا شهر بشهر و روز بروز انجام داده بود بتفصیل بعرض رسانید. طاهر دو پسر محمد امین. موسی و عبدالله و مادر ایشان را بخراسان فرستاد و برزیده زن هارون الرشید نیز در بغداد نگهبان و محافظ بر کماشت و اعمال او را تحت نظر گرفت و سپس به تمشیت امور بغداد پرداخت و برای مأمون از مردم بیعت گرفت و خطبه خلافت بنام مأمون خوانده شد.

نمود عجیب فضل بن سهل در مأمون

خبر فتح قطعی شهر بغداد مرکز حکومت عباسیان و قتل محمد امین با وصول سربریده وی همراه با نامه‌های بشارت آمیز طاهر زوال‌یمنین سردار بزرگ ایرانی شوق و شور عجیبی در بین ایرانیان به ویژه مردم نواحی مشرق ایران که سالها سربازان اعزامی آنان در این پیکار پی گیر شرکت داشتند بوجود آورد و مقام و منزلت فضل بن سهل سرخسی صدراعظم مقتدر مأمون که همه این امتیازات در سایه درایت و تدبیر و حسن انتخاب افراد جنگی بوسیله این اندیشمند ایرانی بدست آمده بود بیش از پیش نزد مأمون بیشتر و محکم‌تر شد.

چون فرمانروائی کلیه امور کشوری و لشگری حکومت مأمون بعهده فضل محول شده بود از طرف خلیفه به زوال ریاستین ملقب گردید.

نفوذ ذوالریاستین در مأمون تا بجائی رسید که کوچکترین تصمیمی در مورد ملك و ملت بدون مشورت و صلاحدید وی از طرف مأمون گرفته نمیشد و هر نوع پیشنهادش نیز از طرف فضل به مأمون داده میشد مورد قبول واقع میگردد و دستور اجرای آن را بدون معطلی صادر میکرد .

درجه نفوذ فضل بن سهل در مأمون با نقل داستان زیر بخوبی روشن و تأیید میشود در کتاب آثارالوزراء چنین نگارش رفته است :

(مأمون را خادمی بود ریحان نام وی سخت پارسا و نیکو اعتقاد بود و هرگز دروغ نگفتی .

روزی مأمون با عبدالله هاشمی در خلوت شطرنج میبخت و فرموده بود که کسی را نکذارید بیاید و گفته بود که اگر کسی به فضل بن سهل بگوید که شطرنج میبازند آن کس را سیاست کنم .

بر حسب تصادف فضل در آن روز بر در سرای آمد و ریحان خادم مأمون را دید و از او پرسید که :

خلیفه چه میکند ؟

گفت شطرنج میبازد .

فضل در آمد و نزدیک مأمون رفت و دست دراز کرد و شطرنج را از پیش او برداشت و گفت :

یا امیر المؤمنین وقت شطرنج بازی نیست . وقت نماز است و این پسندیده نیست که من بامردمان گویم که وقت نماز است و اوراد خواندن و امیر المؤمنین بیازی مشغول باشد .

مأمون گفت :

روا نمیداری که ساعتی بیاسایم و بتفریح مشغول باشم .

گفت خلیفه در خرمی و خوشدلی . اما آنچه در دل داریم و کاری که در پیش داریم مهمل میماند .
 مأمون او را ثنا گفت .

بعد از آن روز دیگر بوقتی که جمله خواص حاضر بودند پرسید :
 میباید من بدانم آن حکایت را که پیش فضل بن سهل گفت ؟
 جمله را حاضر آوردند و تعرف و تفحص نمودند ریحان گفت :
 من گفتم .

گفتند چرا گفتی ؟
 گفت : زیرا که از من پرسید .
 میدانی امیر چه میکند ؟

چون میدانستم ، دروغ از خود جایز ندیدم و راست گفتم و هیچکس را بر این تهمتی نیست و گوینده این کلمات من بودم و سبب آن احتراز از دروغ بوده است اگر عفو میکنی بکن و اگر عقوبت میفرمائی بفرما .
 امیر المؤمنین گفت نیکو کردی و صلاح کار جستی و صواب آن بود که فضل کرد
 آنگاه فرمود تا او را انعام فرمایند (۱) .

ورود سربریده امین به مرو

پس از طسی فرسنگها راه سربریده محمد امین فرزند هارون الرشید و برادر مأمون خلیفه وقت که طاهر ذوالیمینین از بغداد فرستاده بود بشهر مرو رسید ، و با ورود قافله اغزای طاهر و وصول سربریده امین نگرانی مأمون از هر جهت برطرف

۱ - کتاب آثارالوزراء تألیف سیفالدین حاجی بن عقیلی به تصحیح و تعلیق میر

جلالالدین حسینی ارموی چاپ دانشگاه تهران صفحه ۷۰ .

گردید و برای این توفیق بزرگ بشادمانی و عشرت پرداخت ، بطوری که نوشته‌اند (۱) :

وقتی که سرامین را بنزد مأمون بردند امر کرد آن سر را بر چوبی نهادند و سپس لشکریان خود را طلبید و امر کرد که هر يك جدا گانه بر آن سر لعنت کنند و جایزه خود را دریافت دارند .

افراد سپاه بترتیب بر سر امین لعنت می‌کردند و جایزه می‌گرفتند ، تا اینکه در اثر گفته پندآموز و عبرت‌انگیز یکی از ایرانیان مأمون خجل شد و دستور داد سر امین را از دار به زیر آوردند و خوشبو کردند و سپس برای دفن در کنار پیکر او به بغداد فرستادند .

(ناتمام)

۱- تمة المنتهى صفحه ۱۸۶ .

لطیفه

کژدم را گفتند چرا بزستان بدر نیائی گفت در تا بستانم چه حرمت است که بزستان نیز بدر آیم . بی‌هنران هنرمندان را نتوانند دیده همچنانکه سگان بازاری سگ‌صید بینند مشعله بردارند و پیش آمدن نیارند یعنی سقله چون بهنر با کسی بر نیاید نعیبتش در پوستین افتد .

(سعدی)

مرتضی - مدرسی چهاردهی

ورقی از تاریخ تصوف و عرفان

شیراز شهر عشق و دل است ، در حدود شصت سال پیش مرد وارسته و سوخته ای از خاک پاک شمس تبریزی بشیراز شتافت ، در آنجا چاپخانه کوچکی بنا نهاد ، یک رشته از بهترین کتابهای عرفانی و ادبی را در چاپخانه خود بنام «چاپخانه احمدی» چاپ و منتشر ساخت این کتابها مدرسه تصوف زهبیها تجدید کرد. در اثر انتشار سلسله آثار عرفانی و همت بلند و توجه ناشر آن روز بروز بر پیروان طریقت زهبی زیادتر گشت ، مطبعه احمدی نخستین چاپخانه سربل شیراز بود که در حدود هزار و سیصد و بیست و شش هجری قمری بکار افتاد ، آقامیرزا احمد تبریزی که بعدها مشهور بو حیدالاولیاء شد با تأسیس چاپخانه و کتابخانه و نشر دعوت عرفانی تصوف زهبیه رضوی را تجدید نمود ، مزایائی که سلسله انتشارات چاپخانه ، کتابخانه ، خانقاه احمدی شیراز دارد این است که بسیاری از کتابها و رساله های چاپ نشده و نایاب را منتشر ساخت ، با این تفاوت که کتابهای در زمینه عرفان و تصوف در اروپا و ایران و هندوپاکستان و افغانستان چاپ و منتشر میشود که بیشتر آنها تصحیح ادبی ، لغوی ، تاریخی ، جغرافیائی اختلاف نسخه ها است ، کمتر توجه بمعانی و رموز عرفانی آن میشود ، ولی کتابها و رساله های که شادروان «وحیدالاولیاء» و شاگردان و پیروان وی در شیراز بچاپ رساندند چون ناشران آنها همه صاحب نظر در عرفان و معرفت بوده و هستند میتوان گفت درست ترین کتابهای منتشره در عرفان است که تا کنون بچاپ رسیده ، آنانی که در راه کتاب شناسی کار می کنند و مطالعاتی در این زمینه دارند بهتر میدانند کتابی که بدست صاحب - نظران چاپ شود چه ارزش بسزائی دارد .

براستی در حدود پنجاه جلد کتاب و رساله نفیس عرفانی و ادبی و تاریخی بهمت

آقامیرزا احمد تبریزی و شاگردان مدرسه او در شیراز و بمبئی و تهران بچاپ رسید که از نفیس ترین کتابها و رساله های عرفانی و ادبی بشمار میرود .

کسانی که در تاریخ تصوف و عرفان مطالعه مینمایند از انتشارات وحید و بیروانش بی نیاز نیستند از آثار برجسته برادران طریقت ذهبی این است که در خانقاه روح پرور احمدی شیراز کتابخانه بسیار نفیس دایراست ، از آن جمله چند دفتر یادداشت روزانه مؤسس خانقاه و بخط زیبای وحیدالاولیاء آقا میرزا احمد تبریزی نوشته شده است ؛ در این رشته از یادداشت ها گاهگاهی حوادث ، اتفاقات تاریخی ، اجتماعی که در فارس اتفاق افتاده بود در چند کلمه کوتاه و پرمغز ثبت شد .

این رشته از یادداشت ها هر گاه گلچین شود و در مجموعه جدا گانه ای ، یادریکی از مجلات ماهانه نقل شود ، ارزش تاریخی دارد و گوشه ای از دورنمای فارس را در پنجاه شصت سال پیش نمودار میسازد ، چد عارف بزرگی که عمری را در ریاضت بسر برد هزاران زن و مرد را تربیت روحی نمود ، چراغ عرفان را در جهان اسلامی روشن ساخت ، یادداشت های روزانه وی ارزش بسزانی دارد ، سیر تحول روحی يك عارف نامی را نشان میدهد ، نمونه و سرمشق بسیار خوبی برای سالکان طریقت خواهد بود ، بعضی از کتابها ، رساله های نفیس بخط بزرگان تصوف در کتابخانه وی نگاهداری میشود ، در حدود بیست هزار جلد کتاب و رساله در کتابخانه خانقاه احمدی شیراز ثبت است .

صاحب منتظری از درویشان با کباز و صاحب دل که از فرهنگیان وارسته است نظارت مستقیم در کتابخانه دارد ، و کتاب عشق و دل از فراهم آورده های وی است ، آنچه شاعران و عارفان زبان فارسی در باره دل و عشق سرودند آن رباعیات و اشعاری که از دل سوخته و شوریده بزرگان تراوش کرده بود مؤلف کتاب از جنگ ها ، سفینه ها ، تذکره ها دیوان های خطی ، چاپی گلچین کرد و با اشارت شادروان حاج حب حیدر مؤسس خانقاه احمدی بصورت کتاب زیبایی به شیفتگان دل و عشق نتار نمود ،

حاج حب‌حیدر که پس از وفات «وحیدالاولیاء» پیشوای سلسله زهبی شد در انتشار
 طریقه زهبیه بسیار کوشش کرد، جان و مال را در راه و روش این روش گذاشتند که اینک
 خانقاه احمدی در شیراز یکی از بناهای دیدنی و نفیس بشمار میرود، از اول هر شب
 برادران طریقت زهبی در خانقاه که در کنار آرامگاه «وحیدالاولیاء» و «حاج حب
 حیدر» قرار دارد برزونیاز با پروردگار یکتا دل‌خوشی دارند و حالی می‌کنند که با
 بدست آوردن میلیون‌ها پول و مقام آن احوال‌ها فراهم نشود!!
 بقول باباطاهر شاعر و عارف شوریده نامی .

خوشا آنان که الله یارشان بی بحمد و قل هو الله کارشان بی
 خوشا آنان که دائم در نمازند بهشت جاودان مأوایشان بی

اولیاء خانقاه در نظر دارند هر چه ممکن شود کتابهای تصوف و عرفان را برای
 کتابخانه فراهم سازند گرچه برنامه عرفان عملی کارنامه برادران زهبی ما است چون
 خانقاه احمدی باشکوه و جلال معنوی و صوری چشم چراغ شیراز است کتابخانه هم در
 گوشه خانقاه بدوستانان عرفان علمی چشمک میزند، در نظر است کتابخانه بسیار
 بزرگی در آنجا بنانهند، خاورشناسان، عاشقان عرفان که به تربت و مزار مردان خدا
 می‌شتابند چندی از کتابهای نفیس کتابخانه بهره‌مند گردند .

جواد صیرفی زاده از بازرگانان پاکدل تهرانی مقیم و معتکف خانقاه احمدی
 شیراز است در خدمت بزرگان معرفت کسب فیض و کمال نمود مانند یک خدمت‌گذار
 ساده و بی‌آلایش مدیریت خانقاه را به عهده گرفت برآستی شعر معروف حافظ چگونه
 مصداق پیدا می‌کند :

آنان که خاک را بنظر کیما کنند آیا شود که گوشه چشمی بما کنند

متصدی خانقاه در جوانی از جوانمردان تهران بود، پهلوانان تهرانی احترام

خاصی برای وی قائل بودند ، داش مشهدی‌های چاله میدان تهران وی را بمرشدی خود قبولش داشتند کم کم جذبه عرفانی وی را به شیراز کشانید ، در مدرسه عرفان عملی پرورش شد ، بجای قلدری ، زور آزمائی ، پهلوانی ، حدیث عشق و مستی شنید ، بامداد در تجارت و سوداگری سرگرم است ، عصرها و شبها در خانقاه پیرش در تلاش و تمشیت امور خانقاهی است ، همه میدانیم تأسیس و بنای کتابخانه عمومی از کارهای پسندیده است ، دنیای تمدن کتابرا مانند خوراک از ضروریات بشری میداند ، نیاکان ما از دیرترین زمان بسوی کتاب و معرفت شتافتند ، نگارنده ناچیز این سطرها درست ی یاد دارد در یکی از بامدادان که از خیابان بوذرجمهری شرقی بسوی وزارت کشور میرفت ، استاد سعید نفیسی را دید که در برابر کتابفروشی قدم میزد تا کتابخانه باز شود ! ماجرا از شادروان پرسیده شد ، ! چنین حکایت کرد مرا که : کتابی در حدیث بتازگی در نجف اشرف چاپ شده در پایان کتاب نوشته شده است که این کتاب وقف کتابخانه حمام قریه .. ، از روستاهای اصفهان است .

تاریخ کتابت و وقف کتاب در عصر صفوی است در تاریخ تمدن و فرهنگ جهان سابقه ندارد گرما به ای کتابخانه عمومی داشته باشد ! !

در باره تأسیس کتابخانه و فراهم کردن کتاب و نشر فرهنگ نمونه‌های زنده در ایران و تاریخ اسلام داریم که هر کدام آنها نشان میدهد که پدران ما در راه انتشار دانش و فرهنگ چگونه فداکار بودند ، هر گاه در شهرها ، دیه‌های کشور جستجو نمائیم خواهیم دید صدها کتاب ، رساله خطی ، جایی یافت میشود که مردان و زنان نیکوکار آن‌ها را وقف کردند تا دانشجویان و کسانی که شایستگی مطالعه از آن‌را داشته باشند بهره‌مند شوند .

این گونه کتابهای پراکنده در سراسر کشور پخش است دولت باید همه آنها را فراهم سازد و در کتابخانه‌های عمومی قرار دهد تا از گزند زمانه محفوظ بماند . در بعضی از

شهرها بزرگان فرهنگ در جمع آوری کتاب کوشیدند ولی این کوشش مقدس نباید همگانی باشد ، میراث علمی و ادبی و تاریخی کشور از بین نرود ، محمدعلی تربیت مؤلف « کتاب دانشمندان آذربایجان » در زمان ریاست فرهنگ خود در آذربایجان و کیلان دو کتابخانه عمومی در تبریز ورثت تأسیس کرد که از یاد کارهای فراموش نشدنی اوست .

کتابخانه خانقاه احمدی شیراز بعقیده من اکنون جامع ترین کتابخانه هائی است که کتابهای عرفانی ، عربی ، فارسی ، چاپی و خطی را داراست و روز بروز هم کامل تر و مجهز تر میشود .

ان اثارنا تدل علینا فانظرو بعدنا الی الایثار

اندرز

مردمان را عیب نهانی پیدا مکن که مرایشان را رسوا کنی و خورا بی اعتماد . هر که در حالت توانائی نیکوئی کند در حال ناتوانی سختی نه بیند . ملک از خردمندان جمال گیرد و دین از دانشمندان کمال پذیرد . پادشاهان بصحبت خردمندان از آن محتاج ترند که خردمندان بقربت پادشاهان . حکیمی که با جهال در افتاد باید که عزت توقع ندارد . اگر جاهلی بزبان آوری و شوخی غالب آید عجیب نیست سنگی است که کوهری را همی شکند .

(سعدی)

ترجمه : محمدوحید دستگردی

برندگان جایزه نوبل در رشته فیزیک

- ۱۹۰۱ - ویلهلم رونتگن آلمانی : اشعه ایکس را کشف نموده است .
- ۱۹۰۲ - هریک لورنس ویتزمن هلندی : در مورد تأثیر مغناطیس بر تشعشع مطالعاتی انجام داده اند .
- ۱۹۰۳ - انتوان باکرل فرانسوی : رادیو اکتیویته را کشف کرده است .
- » پیر کوری و ماری کوری فرانسوی : درباره پدیده‌های تشعشع تحقیقاتی بعمل آورده اند .
- ۱۹۰۴ - جان ریلی انگلیسی : از کون را کشف نموده است .
- ۱۹۰۵ - فیلیپ لئارد آلمانی : از اشعه کاند در موارد تجربی استفاده کرده است .
- ۱۹۰۶ - سر جوزف تامسون انگلیسی : در مورد هدایت برق بوسیله گازها تحقیقاتی انجام داده است .
- ۱۹۰۷ - آلبرت میکلسون آمریکائی : در مورد آلات اندازه گیری نور و هواشناسی کوشهائی بعمل آورده است ،
- ۱۹۰۸ - کابریل لبیمن فرانسوی : روش عکس برداری رنگی را اختراع نموده است .
- ۱۹۰۹ - کاک لیلمو مارکونی ایتالیائی و کارل بران آلمانی : دستگاه تلگراف بی سیم را کامل نموده اند .
- ۱۹۱۰ - جوانزفن درواز هلندی : در مورد توازن گازها و مایعات مطالعه نموده است .
- ۱۹۱۱ - ویلهلم وین آلمانی : قوانین مربوط به تشعشع حرارتی را وضع نموده است .
- ۱۹۱۲ - نیلز دالن سوئدی : تنظیم کننده‌های گازی خودکار را اختراع کرده است .

- ۱۹۱۳ - هایکه کامرلین اوتزهلندی : خواص ماده را در حرارتهای پائین مورد مطالعه قرار داده و طریقه مایع ساختن هلیوم را یافته است .
- ۱۹۱۴ - ماکس فن لوآلمانی : از بلورها برای شکستن اشعه + استفاده کرده است .
- ۱۹۱۵ - سرویلیام اچ براک و سرویلیام ال براک انگلیسی : از اشعه X برای تشخیص ساختمان اتمی بلور استفاده نموده اند .
- ۱۹۱۶ - بدون جایزه بوده است .
- ۱۹۱۷ - چارلز بار کلا انگلیسی : تشعشع مخصوص عناصر را کشف کرده است .
- ۱۹۱۸ - ماکس پلاک آلمانی : فرضیه کمیت را وضع نموده است .
- ۱۹۱۹ - جوانز اشتارک آلمانی : طریقه شکستن خطوط نوری را در یک محیط الکتریکی کشف نموده است .
- ۱۹۲۰ - چارلز کیلام فرانسوی : آلیاژهای نیکل و فولاد را کشف کرده است .
- ۱۹۲۱ - آلبرت اینشتاین آلمانی : در زمینه فیزیک نظری خدمات شایان نموده و فرضیه نسبیت را وضع کرده است .
- ۱۹۲۲ - نیلز بوهر دانمارکی : در مورد ساختمان اتمها و تشعشع آنها مطالعاتی بعمل آورده است .
- ۱۹۲۳ - روبرت میلیکان آمریکائی : در مورد الکترونها تحقیقاتی انجام داده است .
- ۱۹۲۴ - کارل زیگبان سوئدی : طریقه تجزیه نوری اشعه + را کشف کرده است .
- ۱۹۲۵ - جیمز فرانک و گوستاف هرترز آلمانی : قوانین مربوط به تصادم الکترون بر روی اتم را کشف کرده اند .
- ۱۹۲۶ - جین پیرین فرانسوی : در مورد ساختمان ماده تحقیقاتی بعمل آورده است .
- ۱۹۲۷ - آرتور کامپتون آمریکائی : تأثیر کامپتون را کشف کرده است .
- » چارلز ویلسن انگلیسی : طریقه اطاقک ابری را در مورد تخلیه الکتریکی

- کشف نموده است .
- ۱۹۲۸ - سراون ریچاردسن انگلیسی: در مورد خروج نوراژ ماده حرارت دیده مطالعه کرده است .
- ۱۹۲۹ - لوئیزویکتور دوبرولی فرانسوی: ساختمان موج مانند الکترونها را کشف نموده است .
- ۱۹۳۰ - سرچاندرا سکارا رامان هندی: در مورد پخش نور مطالعه کرده و تأثیر رامان را کشف کرده است .
- ۱۹۳۱ - بدون جایزه بوده است .
- ۱۹۳۲ - ورنرهایز نبرگ آلمانی: در مورد هیدژرن مطالعه نموده است .
- ۱۹۳۳ - دروین شرودینگر اطریشی: وبل دیراک انگلیسی: در مورد فرضیه اتمی تحقیقاتی بعمل آورده اند .
- ۱۹۳۴ - بدون جایزه بوده است .
- ۱۹۳۵ - سرجیمز چادویک انگلیسی: نوترون را کشف کرده است .
- ۱۹۴۶ - ویکتور هس اطریشی: تشعشع کیهانی را کشف نموده است .
- ۱۹۳۷ - کلیفتون داویسن امریکائی و سر جرج تامسون انگلیسی: طریقه شکستن الکترون را بوسیله بلور کشف کرده اند .
- ۱۹۳۸ - انریکو فرمی آمریکائی: عنصر نبتونیوم را یافته و تحقیقاتی در باب رادیو اکتیویته انجام داده است .
- ۱۹۳۹ - ارتست لورنس آمریکائی: سیکوترون را کشف نموده است .
- ۱۹۴۰ - ۱۹۴۱ - ۱۹۴۲ - در این سه سال هیچ دانشمندی برنده جایزه نشده است .
- ۱۹۴۳ - اوتواسترن آمریکائی: در مورد خواص مغناطیسی آنها مطالعاتی انجام داده است .

- ۱۹۴۴ - ايسيدور ايساك راى آمريکائى : خواص مغناطيسى هسته‌هاى اتمى را ثبت کرده است .
- ۱۹۴۵ - ولف کانگ پولى آمريکائى : قانون مربوط به الکترونها را کشف نموده است .
- ۱۹۴۶ - پرسى ويليامز بريچ من آمريکائى : دستگاہى براى توليد فشار خيلى قوى اختراع کرده است .
- ۱۹۴۷ - سرادوارد اپلتون انگليسى : در باب ساختمان طبيعى جو فوقانى تحقيقاتى بعمل آورده است .
- ۱۹۴۸ - پاتريك بلاکت انگليسى : در مورد فيزيک هسته‌اى وا شعه کيهانى به کشف‌هاى مهمى نائل آمده است .
- ۱۹۴۹ - هيدکى يوکلووا ژاپنى : فرضيه وجود مسون‌ها را وضع کرده است .
- ۱۹۵۰ - سيلپاول انگليسى : يک طريقه جديد عکاسى در مورد جريان هسته‌اى پيشنهاد نموده است .
- ۱۹۵۱ - سر جان کاک کروف انگليسى وارنست واتون ايرلندى : هسته‌هاى اتمى را به ذرات اتمى بدل ساخته اند .
- ۱۹۵۲ - مليکس بلاچ وادوارد پورسل آمريکائى : طريقه انعکاس هسته‌اى رادر مورد اندازه گيرى دقيق بکار برده اند .
- ۱۹۵۳ - فرنيس زرنیک هلندى : يک نوع ميکروسکپ جديد کشف کرده است .
- ۱۹۵۴ - ماکس برن انگليسى : در مورد فيزيک هسته‌اى جديد تحقيقات اساسى بعمل آورده است .
- والتروث آلمانى : روش جديدى براى اندازه گيرى زمان وضع نموده است .
- ۱۹۵۵ - ويلزلمب آمريکائى : در مورد هيدرژن تحقيقاتى بعمل آورده است .

» پلی کارپ کوش آمریکائی : خواص مغناطیسی الکترون را بدقت اندازه گیری نموده است.

۱۹۵۶ - جان باردین و والتر برایتن و ویلیام شو کلی آمریکائی : به تکمیل دستگاه ترانزیستور کمک شایان نموده اند .

۱۹۵۷ - ایسونگ داثولی و چن نینگ یان آمریکائی : بطلان قانون توازن را در فیزیک هسته‌ای ثابت کرده اند .

۱۹۵۸ - پاول چرنکف و ایلیا فرانک و ایگورتام : این سه دانشمند روسی ثابت نموده اند الکتروتهائی که تحت تأثیر تشعشع قرار میگیرند در آب سرعتی بیش از سرعت نور پیدا می کنند .

۱۹۵۹ - امیلیوسگر و اون چمبرلن امریکائی : انتی پروتون را کشف کرده اند .

۱۹۶۰ - دونالد کلاسر آمریکائی : اطاق حبابی را اختراع نموده است .

۱۹۶۱ - رودولف مواس بوئر آلمانی : روش اندازه گیری اشعه گاما را طرح نموده است

» روبرت هوف اشتاتر آمریکائی : ساختمان نیوکلئونها را کشف کرده است .

۱۹۶۲ - لف لاندوروسی : در مورد هلیوم مایع و گازهای متراکم مطالعاتی نموده است.

۱۹۶۳ - اوگن ویگنر آمریکائی : در مورد فیزیک نظری خدماتی انجام داده است .

» ماریا کوپرت مایر آمریکائی و هانس جن سن آلمانی : در مورد ساختمان اتمها مطالعاتی نموده اند .

۱۹۶۴ - چارلز تاتر آمریکائی و نیکلای باسوف و الکساندر پروخروف روسی : در باب

الکترونیک تحقیقات اساسی انجام داده اند .



استاد سخن - وحید دستگردی

يك قطعه شیورا

نه هرچه پیدا میگردد از زبان سخن است
 سخن زبان نهان دارد ارچه خود پیداست
 بسا مسجع و موزون که غاری است زوزن
 بسا کلام مقفا که چون حدیث قفاست
 بسا مسا که پذیرفت رنگ سکه و زر
 ولی نه قدر مس افزوده شد نه از زرکاست
 به پیشگاه محک سرخ رو نشیند زر
 خلاف مس که چو اینجا رسید روی سیاست
 گهر شناس نمانده است از آن گهر جورا
 نه دست کندن کانت و نه سر دریاست
 چو مشتری نشناسد زر عیار از قلب
 طلای بیغش در معرض فروش خطاست

طاهری شهاب**اختر مازندرانی**

قدیم‌ترین مأخذی که به ترجمه شرح حال محمدحسین بیگ (بالفروشی) (۱) متخلص به اختر اشاره‌ای شده در تذکره منظوم محمد باقر رشحه اصفهانی میباشد که درباره او چنین میگوید :

(اختر) که بیخت نیک بنیاد

در (بال فروش) گشته داماد

ز آن شهر بود و ز آن دیارست

هم بزم و ندیم شهریارست

چون رشحه تذکره خود را بسال ۱۲۵۰ هـ . ق بیابان رسانیده لذا میتوان گفت که (اختر) از شرای سده سیزدهم هجری و از ندمای بزم فتحعلیشاه قاجار بوده است .

بعد از (رشحه اصفهانی) مؤلف تذکره مصطفی خراب هلاکو میرزای قاجار که تذکره خود را بین سالهای ۱۲۵۸ تا ۱۲۶۳ هـ . ق نوشته است ، از محمدحسین بیگ اختر نامی برده و مینویسد :

از بال فروش مازندران ، هم در آنسامان بعزت گذران کردی . چون صاحبان هر دو تذکره از معاصران اختر هستند بنا براین معلوم میگردد که (اختر) دوران

۱- از دوران افشاریه تا پایان سلطنت فتحعلیشاه در تواریخ و تذکره‌ها و فرامین همه جای (بالفروشی) کلمه (بال فروش) ثبت است و خود اهالی شهر هم بکلمه (بالفروشی) تلفظ مینموده‌اند .

سلطنت محمد شاه را هم درك نموده است .

مؤلف تذکره (انجمن خاقان) درباره او مینویسد :

از هر گونه خاصه در مرثیاتی اشعار بسیار دارد و ندیم و محرم شاهزاده محمدقلی میرزا صاحب اختیار گرگان و مازندران است .

رضا قلیخان هدایت در مجمع الفصحا مینویسد :

از متوسطین معاصرین میباشد .

آثار اختر دستخوش تطاول روزگار گشته و جز چند بیتی از اشعارش در سفینه‌ها باقی نیست تنها در يك جنگ خطی مورخ بسال ۱۲۸۷ ه . ق که در تصرف نگارنده میباشد چهارغزل از او ثبت است که به پیروی از سبک هندی برخلاف شعرای معاصر خودسروده و اینک يك غزل و منتخبی از ابیات دیگرش را جهت مصون بودن از گزند بعدی درج مینماید .

غزل

سبك ز سينه ما ای غبار غم برخیز

ز همنشینی ما میکشی الم برخیز

گذشتن از سرکنج کهر سخاوت نیست

کریمی از سر آوازه کرم برخیز

گرفت دامن گل شبنم از سحر خیزی

ز کرد خواب بشو دست و رو تو ، هم برخیز

در اینجهان نبود فرصت کمر بستن

ز خاک تیره کمر بسته چون قلم برخیز

بفکر دوست بیالین گذار سر (اختر)

چو آفتاب تر آغوش صبحدم برخیز

بعذر کشتن عشاق در صف محشر

بجز غرور نکوئی هزار برهان داشت

در غم هجران پرستارت دلا جز ناله نیست

ضعف میترسم که آخر بی پرستارت کند

زلف منعم کند از دیدن خال تو چه سازم

دست بردن بدم مبار پی مهره نشاید

آن نیم نفس که با تو بودم سرمایه عمر جاودان شد

موعظه

معصیت از هر که صادر شود ناپسندیده است از علماء ناپسندیده تر
که علم سلاح جنگ شیطان است و خداوند سلاح را چون باسیری
برند شرمساری بیشتر برد . هر که در زندگی نانش نخوردند چون بمیرد
نامش نبرند .

(سعدی)

محمد - جناب زاده

نگاهی بتاریخ فلاسفه اسلام

دوست دانشمند و مجاهد و محقق ، آقای مرتضی مدرس چهاردهی ، کتابی تقدیم فرهنگ عمومی مملکت نمودند و عنوان آنرا «تاریخ فلسفه اسلام» نام نهاده اند تألیف مزبور شماره پنجم انتشارات فاضل محترم است در این کتاب شرح حال و عقاید ابن سینا و ابن رشد - حکیم میرزا ابوالحسن جلوه - شیخ احمد احسایی راغب اصفهانی - صدرالدین شیرازی - خواجه نصیرالدین طوسی و عده ای دیگر از اساتید و پیروان مکاتب مختلفه و موارد اختلاف و آراء و نظریات حکماء و عرفاء و متکلمین ، خوانده میشود .

مقدمه لازم است که غرض اصلی از حکمت و فلسفه گفته شود ، تا ارزش این نوع تألیفات و تحقیقات زیاد نمایان گردد «صدرالمآلهین» فرماید : «فلسفه» شناسائی حقیقت «موجود» است ، باندازه طاقت بشری .

البته تعاریف کوناگونی از حکمت و فلسفه شده ، ولی بنظر میرسد که تنها کوشش فلسفه ، برای خروج علم از تاریکی به روشنائی ، یعنی برانداختن حجاب ظلمتی است که بین عقل و هوش از لحاظ دانش با حقایق بمعنی صحیح این کلمه وجود دارد .

«سیسرون» میگوید :

«هیچ چیز بقدر فلسفه ، پوچ و بیمعنی نیست» این نظر در فرهنگهای مادیون قرن اخیر ، و رژیمهای مستحده افراطی زنده شده و مباحث فلسفی را مایه ائتلاف وقت دانسته اند دسته دیگر در عین لزوم مطالعات و تعقیب این مسائل معتقدند

که هر چند کوشش‌های خلاقهٔ بشر در درك حقایق بهدفع اساسی خود نخواهد رسید ،
 عدالك «تمدن» همهٔ موفقیت‌های خود را مدیون مکتب فلاسفه باید بداند از این لحاظ
 نظریه «سیسرون» و پیروان او قابل توجه نیست زیرا عمل و آزمایش‌های علمی روزمره
 نشان میدهد که هر چیزی سودمند است و هیچ امر بوج و بیمعنی در طبیعت وجود
 ندارد . آنچه بنظر میرسد «بیفایده یا عبث یا بیهوده است» کوتاهی و نارسائی فهم
 ما میباشد و بسا موضوعها و مسائل و اشیائی در زمانهای گذشته مشمول تعریف
 «سیسرون» بود ولی امروز سود و فوائد بیشمار آن عیان و نمایان شده است .

«فلسفه» برای دانشجویان و محققانی که عقل سالم دارند ، شیرین و دلچسب و
 از علوم مطلوب است .

اما برای آندسته افرادی که از لحاظ فکر و قدرت تحلیل و تجزیه و ظرفیت
 شعور و حوصله ضعیف و تهی میباشد البته «فلسفه» زیان بخش است و طبق موازین
 دینی هم کسانی نباید در این اقیانوس شناور شوند زیرا بیم غرق و هلاک برای آنان
 وجود دارد. نمیتوان انکار نمود پیشرفتهائیکه برای متفکرین و پایه گزاران تمدن و
 علوم حاصل شده همه بر محور فلسفه دور زده است .

فرهنگ فعلی ما در حال حاضر توجهی بمسائل عالیه علمی و عقلی ندارد و از
 این مباحث غاری است اما در عین حال عده‌ای از دانشمندان در ترجمه و تألیف کتب
 فلسفی کوششی بسزا مبذول داشته‌اند تا معارف زبان پارسی را از این نقص ننگین
 نجات دهند .

البته در میان علوم قدیمه که در مدارس دینی تدریس میشد فلسفه هم اهمیت
 خاصی داشت ولی چون زبان رسمی این علوم زبان عربی بود برای کسانی که
 مبادی علمی و صرف و نحو عرب را بدرستی نمی‌دانستند مطالعه این کتابها سودمند
 واقع نمیشد .

مرحوم ضیاءالدین دری که از مشاهیر دانشمندان و از مؤسسين فرهنگ جديد است در ضمن عمل و تدريس متوجه شد كه بايد زبان ملي و پارسي را از لحاظ موضوع هاي علمي و فلسفي تقويت نمايد اين بود كه بترجمه كتاب « نزهة الارواح و روضة الافراح » تأليف شمس الدين محمد بن محمود شهروزي پرداخت .

دری چون در علوم معقول استاد بود در این کتاب و سایر تألیفات مهم دیگر خدمات فنا ناپذیری بفرهنگ ایران نمود ولی اگر زنده میماند و وضع فرهنگ امروز و برنامه‌ها و مایه‌های تحصیلی را برای العین میدید و با برنامه‌ها و موازین معارف عصر خود مقایسه میکرد مسلماً کتابهای خود را جمع مینمود و بر عمر تلف کرده تأسف میخورد و سنگ سراچه دل را بالماس آب‌دیده می‌سفت که چرا بیهوده چراغ فراره نابینایان قرار داده و آیه وافی هدایه «انك لاتسمع الموتی» را مورد توجه قرار نداده است ولی سپاس خدای یکتا را سزااست که نگاهبان دین و دانش است و در مساوراء محیط فرهنگ اسمی که میلیونها تومان از بودجه کشور صرف آن میشود هیئت‌های علمیه قم و مشهد و نجف اشرف باقی و بر قرار هستند که با کمک مسلمین ایرانی و پاکستانی رونق دیرین خود را حفظ کرده اند کتاب (كنز الحکمة) تألیف و ترجمه مرحوم دری سیر حکمت در جهان اسلام با بزرگان علم و عرفان و حکمت دربر دارد. دری در حدود بیست جلد تألیف گرانمایه دارد از آن جمله (لمعات المستر شدين في علم اصول الدين رساله جبر و اختيار رسائل ابن سينا) میباشد .

در سالیان اخیر که اوراق ضاله میدان وسیعی برای فعالیت یافته و مجلات شهوت پرور درغرایز جنسی عصیان و طغیان و شکستن سد محارم و گستاخی و قاحت را بر حد جنون رسانیده اند و خواندن شرح حال زنان و لگردد و بحث از جاذبه جنسی لذتبخش شده در بعضی ممالک اسلامی هم این بندر فساد پاشیده شده و بشمر رسیده بقلم « صلاح ذهنی » یک سلسله کتاب بنام « کتب للجمع » بصورت افسانه و رومان در مصر انتشار یافته که در لباس « انتقادات ملیح » رسوائیهای شهوانی آشکار شده است شماره‌های

کتاب فتیات الشاطی در مصر بقلم «عبده زیدان» در قاهره از این مقوله است .
 کتاب «قصتی» افسانه من که شرح حال زنان عربان (نساء عاریات) است بقلم
 «صبحی - الجبار» و باز دوره های کتاب «جمال للبیع» قصه و صور اجمل نساء العالم بقلم
 «عبده زیدان در مصر» پرده دری و ناموس فروشی را بازاری کرده و (جرائم جنسیه) اثر
 دکتر فائق الجوهری «داستانهایی دارد که بر محور این عبارت چرخ میزند «ان کل
 شیئی جمیل فی الحیاة بتصل اتصالا و تیقا بالفریزه الجنسیة» .

نویسندگان نوپرداز مسابقه را از اینجهت برده اند و باید گفت که زشت ترین
 و بلیدترین صحنه های فسق و فجور را توانسته اند از منحنی ترین و فاسدترین اقوام
 فاسق و فاجر کسب کنند و در وطن و میان ملت خود رواج دهند اگر «سمیرامیس» ملکه
 بابل و «کلئوپاتر» ملکه مملکت فراغنه و وارث (بطاله) زنده بود و اگر قوم «لوط»
 میتوانست از زیر خرابه های عمیق شهرهای سدوم و عاموره «سربرون آورد و عاد
 و تمود) داستان های عیاشی خود را بگویند و (عرب جاهلیت) میتوانست زبان
 بگشاید و وضع و رفتار مرد را بازن بگوید و از ازدواج (ضمد) یا تعدد شوهران - ازدواج
 ابتین (آزمایشی) ازدواج اشتراکی - اختلاطی - اسمی و تصنعی ازدواج استبدال و غیره
 که زنان را در مرداب عفن و لجنزار بی ناموسی فرو برده بود، مناظری نشان دهد شاید
 محتاج به بیان بسیاری مطالب نمیشدند زیرا مجموعه مفاسد با قلم راهزنان نوامیس در اینجا
 مرکزیت یافته و نمایشگاهی از عصور مظلمه فساد و تباهی نوع بشر در اینجا بمعرض
 نمایش درآمده است .

در چنین محیطی که همه نوع وسائل و احترام و توجه مادی و معنوی برای این
 هنر نمائیه موجود است و دنیا که خسیس ترین اشیاء است و شهوات مطلق العنان که
 کشنده ترین سموم فردی و اجتماعی است به (علم) که نفیستین اشیاء است رجحان
 دارد و محرمان اجتناب ناپذیر و بقول خود آنها (گناه لذیذ) است چطور میتوان

جمال حقیقت ولذائذ روحی و ملکوتی را بر (لذائذ بدنی و اسافل جسمی ثابت کرد و بآنها گفت که (طلب معانی) لذت جاودانی دارد این معانی مایه زندگانی و آن محارم موجب هلاکت نفسانی است اولئك الذين اشتروا للضلالة بالهدى و چرا گفته‌ها و نوشته‌ها اثر نمیکند شاید مشمول این آیه باشیم که (اتأهرون الناس بالبر وتنسون انفسكم یا قوله تعالی (لم تقولون ما لا تفعلون)

شهوآت نفسانی و جرائم جنسیه، تولید گناهان کبیره میکند۔ این آتش سوزان همه را مبدل بخاکستر مینماید و باید از آن روزی ترسید که بگوئیم «ربنا اخرجنا نعمل صالحا غیر الذی کنا نعمل» و جواب نشنویم نمیدانم شاید آن روز نزدیک باشد «اعاذنا له وایاکم» امر بمعروف و نهی از منکر واجب و لازم است و شرط اول درستی و پاکی و ایمان و تقوای آمر و ناهی میباشد .

از مطلب بسیار دور شدم چه کنم بحکم « تحرق فی الدنیا قلوب العاشقین و فی الآخرة جلود الفاسقین با آنکه خود غرق گناهان اما آتش سوزانی و شرری در دل و جان دارم و نمیخواهم وطن عزیزم که مهد علم و دانش و راستی و عفت و ناموس و مکتب رجال و مشاهیر جهان بوده است از پست ترین مجاهل دنیا فاسدتر و بدبخت تر گردد و حیف است که این ملت تاریخی برده زنگیان روم و تاتار شود چه نیکو فرمود .

ای نفس، چو روضه رضا گلشن تست پس هاویه هوی چرا مسکن تست
امروز هر آنچه دوستر میشمی فردات یقین شود که آن دشمن تست
بحمداله زمین از حجت خالی نیست و توجه اولیاءاله هنوز بما معطوف است و
برای همین است که بندگان صالحی هنوز وجود دارند که ما مردم غافل و مسکین و
خفته و غمگین را بسوی دیانت و حقیقت و طریقت و صداقت و تقوی بخوانند و از جوی
آب حیات معرفت جواهر معانی و اسرار حقایق را گرفته و شجره مطبوعات را از فساد
و خشکی و کرم خوردگی نجات دهند دلیل مدعا کتابهایی است که نوشته میشود و برای

این محیط ظلمانی مانند نورافکن بر فروغی میتابد کسانیکه دوره (سیر حکمت در اروپا) تألیف و نگارش میرزا محمد علیخان فروغی (زکاء الملک) را خوانده اند میدانند که اینمرد باهمه مشاغل سیاسی که داشت بخدمت ادب و حکمت و اخلاق صرف وقت نمود .

حکمت الهی (عام و خاص) تألیف جناب محی الدین مهدی الهی قمشاه ای استاد دانشگاه که در سال ۱۳۲۰ شمسی انتشار یافته دلپذیر است و نشان میدهد چنین دانشمندانی هنوز در محیط فرهنگ بخدمت مشغولند این کتاب فلسفی ۳۳۱ بحت عالی و مهم دارد که برای طالبین علوم معقول بینهایت ارزنده و سودمند است .

رشد حکمت در اسلام نگارش جواد تارا مدرس علوم معقول و منقول از کتب سودمند حکمت اسلامی است و مشکلات فلسفی رایج کرده و در حل آنها بذل مجاهدت نموده است .

اصول فلسفه و روش رئالیسم تألیف آقای محمد حسین طباطبائی با مقدمه و پاورقی مرتضی مطهری پاسخ بسیاری از کج رویها و گمراهیها را داده و در سال ۱۳۳۲ انتشار یافته است .

«خدا هست» مجموعه کوچکی از مسائل علمی و فلسفی و الهی است که بقلم آقای امام نجفی مقیم اصفهان نگارش یافته و راه خدا شناسی را برای افرادی که دچار وسوسه شده اند هموار ساخته و زنگ کدورت «شک و تردید» را از قلب آنان زایل میسازد .

برهان الساطع در اثبات صانع تألیف مرحوم آقا سیداله مجتهد خرقانی میرسلامی که با اصول علمی و بسبب متکلمین نگاشته شده و مطالعه آن سودمند است .

(راه طی شده) نگارش آقای مهدی بازرگان با توجه بمفاهیم ذهنی جوانان مسائل مهمی را مانند دعوی پیامبران و مذاهب باستانی - توحید - عبادات - قیامت ،

شرح داده و بسیار خوب نوشته شده است این کتاب در سال ۱۳۳۴ انتشار یافته است. ماتریالیسم یا منشأ فساد بقلم عالم ربانی حاج سراج انصاری تحریر شده و در سال ۱۳۳۳ شمسی انتشار یافته در اینکتاب از اوضاع متشنج جهان و علل وخامت آن و توسعه بیدینی و انحراف از جاده فطرت بحث شده سپس بجنک عقائد پرداخته و راه مبارزه عملی با کمونیسم را نشان داده است در موضوع های متنوع مانند آنکه «فلسفه چیست؟ ایده آلیسم چه میباشد؟ - ماتریالیسم کدام است؟ - منافیزیک یعنی چه دیالکتیک چه معنی دارد باسبک و انشاء روز وارد بحث گردیده مبانی این کتاب بر شالوده منطق عقلی و علمی و دلائل و براهین مسلمه ایست که از نوشته های مخالفان گرفته شده و بمقاد و جدالهم بالی هی احسن) با روشترین و دلپذیر ترین استدلال راه هدایت را از ضلالت جدا ساخته و برای جویای طریق حق چراغ روشن و راهنمای علمی است که خوانندگان میتوانند از تأثیر تبلیغات سوء خود را نجات بخشند و از هر جهت مجهز بسلاح عقلی و دانش و بینش گردند .

انصاری کتابهای دیگری مانند (نبرد باییدینی - دین چیست مجله مسلمین دارند و وقت ایشان مصروف تهیه تاریخ و تحقیق تحولات عصر جاهلیت و اسلام و کشف غالب مجهولاتی بود که دنیای علم و ادب بفهم آنها نیازمندی کامل دارد .

حکومت حق و عدالت پس از کمونیسم تألیف دکتر عبدالحسین کافی که با اصول علمی ریاضی و شیمی وارد بحث شده و حاوی مطالب مهمه ای است که نویسندگان راهزن خودی و بیگانه در نشریات عدیده بعناوین علم و دانش بمغز جوانان فرو برده اند هروسوسه و سفسطه ای که در «کتب ضاله» شده نویسنده محترم مورد توجه قرار داده و پاسخ یکایک آنها را با براهین علمی داده است .

«معاد . یا آخرین سیر بشر» چاپ دوم اینکتاب . چندی قبل بر حسب اتفاق بدستم افتاد که در تبریز بچاپ رسیده این کتاب مؤلف را معرفی نمیکند و مینویسد :

بقلم (کمترین خادمه‌ای از خدام آل رسول (ص م) و کوچکترین ذره‌ای از ذراری بتول و مته من اماءاله تعالی «

مندرجات این کتاب بر محور فلسفه و دین بسیار متین و وزین و وزین است و معلوم است که بایک قلم محرور و با ایمان و حقیقت نویسنده آن رنج فراوان در تحصیل بکار برده و ذوق و قریحه روشنی دارد شنیدم اثر قلم یکی از بانوان فاضل اصفهان است . این کتاب پاسخ دندان شکنی برای آن طبقه راهزن است که میخواهند ارزش و مقام و شخصیت «زن» را در ایران بست جلوه داده و او را کالای شهوات و بازرگانی و برده و کنیز و رقصه بعنوان «هنرپیشه» معرفی کنند .

این کتاب بقدری پر مایه و جاذب و شیرین و بر اساس علم و منطق و برهان نگاشته شده که اگر چند بار خوانده شود باز طبع خواننده جویای مطالعه آن برای بار دیگر میشود .

از قرار مسموع این مخدره فاضله عالمه مؤمنه در اصفهان مقیم است و من و همه خوانندگان دعائی را که حاتمی لنگرانی بنظم در باره مشار الیها نموده اند آمین میگوئیم خداوند تعالی او را با حضرت صدیقه کبری سلام اله علیها محشور سازد . «تاریخ علم کلام تألیف علامه شبلی نعمانی ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلائی در دو جلد است که در سال ۱۳۲۸ انتشار یافته و سیر عرفان و فلسفه را در اسلام شرح میدهد .

دین و فلسفه تألیف دکتر توفیق الطویل ترجمه محمد علی خلیلی است . این کتاب حاوی شش فصل علاوه بر مقدمه است کتاب حاوی مطالبی در عقل و ایمان در فلسفه یونان و روم روحانیت در قرون وسطی اسلام و فقهاء - نزاع میان لاهوت و فکر جدید در دوره نهضت - پرورش یافتن جنبه عقلی در عالم کاتولیکی و مباحث دیگر است و پایه مندرجات مبنی بر غلبه دین بر علم و فلسفه است .

«خدا» تألیف عباس محمود عقاد ترجمه محمدعلی خلیلی است این کتاب مراحل تطور عقیده در باره خدا را شرح داده و در پایان کتاب مینویسد وقتی حس و عقل باطن برایمان بذات خداوندی مستقر شدند بحق پی برده اند و این ایمان رشید بهترین تفسیر و تعلیل اسرار خلقت است مؤمنان آنرا تعلیل میکنند و مفکران اعتراف دارند و طبع سلیم طالب آنست .

«ارتباط انسان با جهان» نگارش آقای محمدتقی جعفری تبریزی (بحث در تحول ماده فلسفی و جرم فیزیکی در ادراک بشر از قدیمترین ازمئه فلسفی تا قرن حاضر (قرن بیستم) این کتاب کاملترین مکاتب فلسفی است که باستناد مدارک مهمه فاضل محترم نگاشته و تحقیقات کافی و شافی و جامع روی اصول و متد جدید بعمل آورده است و از هر جهت جامع و شایان کمال استفاده است .

« تاریخ فلسفه » تألیف « ویل دورانت » ترجمه عباس زریاف خوئی - مؤلف آمریکائی مکتب افلاطون و ارسطو - فریسیس بیکن شینوزا - ولتر - ایمانوئل کانت شوینهاور - و سایر فلاسفه را تا منتهی شود بحکمای معاصر آمریکا نقد و حلاجی کرده و کتب هر یک از حکماء مادی و روحانی و معتقدین بمبدأ و معاد و منکرین آنرا بررسی نموده و یک مجموعه کاملی از عقائد و آراء و نظریات فلاسفه تشکیل داده که ارزنده و قابل استفاده است آثار ذیقیمت و گرانمایه فوق نشان میدهد که روح علم و دانش در اجتماع ما زنده است و اگر برنامه های فرهنگی وافی برای پرورش افراد دانا و خردمند و کنجکاو و محقق و دانش دوست نمیباشد فعالیت های فردی این نقص بزرگ را جبران میکند و هر چند دانشمند قلابی و بی مایه از سطح اجتماع بالا بیاید و همه شئون علم را دست خوش هوی و هوس قرار دهد . معذالک محققان و مجاهدان کمنام در زوایای مملکت بیکار نیستند و هیچگاه نمیتوان گفت که خزه و علفها و کفهای روی دریا مانع

از این خواهد شد که درو مرجان در قعر بحار دانش و بینش پرورش بیابد آنچه مرا وادار بنوشتن این مقاله مشروح کرد نگارش «تاریخ فلاسفه اسلام» بقلم آقای «مرتضی مدرس چهاردهی» بود استاد مدرسی در راه تحقیق مجاهدت میکند و روز بروز نوشته‌های او پرمایه‌تر میشود البته من نمیگویم که هنوز نامبرده طی این مراحل را متکی بکمال خود میدانند اینطور نیست و دیباچه کار بزرگی است که در پیش گرفته و آئینده هم در پیش اوست و فرهنگ عمومی از او و امثال او که آلوده بفساد اجتماع نشده‌اند انتظارات فراوان دارد.

مدرسی از ابن سینا و رشد و زندگانی حکیم میرزا ابوالحسن جلوه و دیگران سخن میگوید تألیفات جداگانه‌ای هم نسبت به‌دهای از این حکماء دارند که در آنها روایات و حکایات شیرین و دلچسب آمیخته است.

چندی قبل من بر نوشته او در باره «شیخ احمد احسائی» سطوری نگاشتم و مورد حمله و اعتراض خرده گیران واقع شدم مدرس در بحث مسائل فلسفی و عرفانی جنبه عمومی را در نظر میگیرد زیرا نمیتوان گفت که احسائی وجود نداشته و یا اگر وجود داشته تکفیر شده و یا او «بقولی عامل بیدایش (فرق ضاله گشته در هر صورت هر چه بوده شیخ احمد احسائی در اینجهان نقشی داشته و باید او را شناخت».

از اینکه بعضی از تکرار یا بحث یا نشر افکار و عقاید مخالف ناراحت میشوند من در عجب و حیرت میباشم این کتاب مقدس آسمانی ما است که افکار و اعتراضات مشرکان و ملحدین و منکرین خدا را نقل کرده و پاسخ داده است موضوع «تعرف الاشياء باضدادها را نباید فراموش کرد».

در هر حال فاضل مجاهد آقای مدرس چهاردهی گام‌هایی برای شناساندن بزرگان علم و تاریخ و فلسفه برداشته و از لحاظ سادگی درخور فهم عموم میباشد و حق این است که باید زحمات او را مورد تحسین و تقدیر قرار داد.

ایران در نمایشگاه جهانی مونتreal

بمناسبت یکصدمین سال اتحاد ایالات کانادا این کشور درصدد برآمد نمایشگاه بزرگی در کشور خود ترتیب دهد و میلیونها نفر مردم باذوق را بکشور خود دعوت کند تا غرفه‌های عظیمی که بوسیله ۷۲ کشور مختلف ساخته شده از نزدیک تماشا کنند و از تماشای آن لذت ببرند .

یکی از کشورهایی که دعوت شد تا غرفه‌ای در این نمایشگاه بسازد کشور ایران است . بامر شاهنشاه آریامهر و راهنمایی جناب آقای دکتر اقبال آقای دکتر فلاح با اتفاق کادر جوان و فعالی مأمور شدند تا افتخار و مجد و عظمت کشور باستانی ایران را با ساختن غرفه ایران در کانادا در خاطر تماشاگران بیدار کنند و باید انصاف داد که ایرانی وقتی بخواید تجلیات هنر خود را عرضه کند عارف و عامی پیرو جوان و خرد و کلان انگشت بدهان خواهند ماند و از قدرت خلاقه‌ای که در ذهن مردم سرزمین ماست بشکفت در خواهند آمد. گرچه کشورهای بزرگ و سرمایه دار شاید صد برابر بیش از کشور ما خرج کرده و غرفه‌های بزرگی بوجود آورده‌اند اما غرفه ایران مانند سرخ کلی از گل‌های بهاری در میان بوستان غرفه‌ها چشم‌ها را خیره می‌کند و نشان می‌دهد که دست هنر آفرین ایرانی وقتی تار و پود هنر را بلرزه در می‌آورد شاهکاری پدید می‌آید. گرچه مساحت زیر بنا بیش از ۲۰۰۰ متر مربع نیست اما در همین محوطه کم هنرمندان ایرانی هنر واقعی خود را عرضه داشته و چشم‌ها را خیره کرده‌اند . قسمتی از دیوار ساختمان از کاشی‌های ساخت ایران پوشیده شده چندین نفر از هنرمندان ایرانی هم اکنون در کانادا مشغول کار هستند تا نمای خارجی نمایشگاه را با کاشی ایرانی ببوشانند و بجهانیان نشان دهند که هنوز هنر نزد ایرانیان است و بس برای قسمت‌های داخلی و بهترین‌ها مهندس فروغی که یکی از مهندسان باذوق و کاردان است مشغول فعالیت است تا ویتترین‌های داخلی نمایشگاه را آماده کند .

در حقیقت گروهی از هنرمندان درجه اول تحت نظر مهندس فروغی مسؤل تهیه د کورنمایشگاه میباشند و روز بروز طرحها و پروژههای زیباتری برای تزیینات داخلی نمایشگاه روانه کانادا میشود تا در غرفه ایران قرار گیرد .

در غرفه ایران کلیه اجناس صادراتی که در این کشور تهیه میشود و بدست میآید در ویتترین مخصوص بمعرض نمایش گذاشته میشود تا بازرگانان و صاحبان صنایع در صورت تمایل بتوانند مشتری ایران بشوند و کالای ایران را بکشور خود صادر کنند .

گرچه در نمایشگاه هیچ چیز بفروش نمیرسد ولی چهارمغازه در محوطه عمومی خارج نمایشگاه ترتیب داده شده تا بازرگانان و مؤسسات دولتی برای عرضه کالا و فروش نمونه آن بتوانند کالا در اختیار مشتری قرار بدهند . این امر در بازرگانی آینده ایران تأثیر بسزائی دارد و بطور قطع تجار و بازرگانان زیادی که بتماشای غرفه ایران خواهند آمد مشتری کالای ما خواهند شد .

در غرفه ایران يك رستوران نیز هست که در آنجا غذاهای ایرانی و خاویار میفروشند تا مشتریانی که طالب غذاهای ملی ایران هستند بتوانند در غرفه ایران غذای ایرانی بخورند .

بطوریکه پیش بینی میشود بالغ بر چهل و پنج میلیون نفر از ساکنان کانادا و اتازونی و دیگر کشورها بتماشای این نمایشگاه بزرگ خواهند رفت و جهان بینی شاهنشاہ آریامهر که اهمیت این موضوع را درک فرموده‌اند و فعالیتی که جناب آقای دکتر اقبال برای ایجاد این نمایشگاه شروع کرده‌اند و تلاش روز افزون کادر جوان و مهندسان شرکت ملی نفت در حقیقت ارج و ارزش ایران را در این نمایش باثبات خواهد رساند و نشان خواهد داد که دست هنرمند ایرانی هر جا که بکار مشغول شود هنراصیل و ذوق لطیف از آن تراوش میکنند .

از طرف دیگر آبرو و اعتبار ایرانی در میان هفتاد و دو کشور که با هم رقابت میکنند تا غرفه های زیباتری بسازند بیش از پیش محفوظ خواهد ماند و آنها که ماکت غرفه ایران را دیده اند گوئی یکی از غزلیات خواجه حافظ یا یکی از قصاید سعدی شیرازی را دیده اند دست هنرمند و خلاق ایرانی که همیشه هنر آفرین بوده . این بار هم ثابت کرده که از ۷۲ کشور دیگر نه فقط عقب نیفتاده بلکه گوی سبقت را از دیگران ربوده است .

از عظمت غرفه ایران همین بس که پس از غرفه ژاپن بزرگترین غرفه آسیائی بشمار میرود ولی از نظر کیفیت چشمان هنرشناس باید تا قضاوت کند که آیا در میان غرفه های ساخته شده کدام از هنراصیل بهره مند میباشند .

شرکت های هوائی از هم اکنون مشغول نام نویسی مسافران شده و تخفیف زیادی در بلیط و بلیط ورودی نمایشگاه قائل شده اند تا کسانی که علاقه به تماشای نمایشگاه مونترال دارند بتوانند بآن کشور سفر کنند و از نزدیک ۷۲ غرفه دنیا را در شهر زیبای مونترال تماشا کنند . یکی از نکات جالبی که در غرفه ایران بچشم میخورد و هنرمندان ایرانی سعی کرده اند به بهترین وجهی آنرا به تماشاگران عرضه کنند انقلاب سفید شاه و مردم است .

در غرفه ایران تحولات اخیر منعکس شده و ترقیاتی که از برکت و همت شاهنشاه آریامهر نصیب ملت ایران شده با پنجه هنرمند ایرانی تجسم یافته است . تماشاگران تحولات اخیر را مشاهده میکنند و این احساس بر همه آنها یکسان دست خواهد داد که چگونه کشوری ناگهان در شاهراه ترقی و تعالی قرار گرفته و بدون اینکه دست خود را بخون بیالاید . . . انقلاب مقدسی را برهبری شاهنشاه آریامهر شروع کرده این انقلاب سفید خوشبختی نسل حاضر و نسل های آینده را تأمین خواهد کرد و در میان جامعه بشری « ایرانی » همیشه سر بلند و مقتخر خواهد بود .

محمد صالح - ابراهیمی محمدی

تجزیه و تحلیل دو شعر از نظر علم و عرفان

از کتاب کفایة المعانی تألیف علامه عبقری ملا عبدالله بیتوشی ایرانی (۱).

رأت قمر السماء فاز کرتنی لیالی و صلها بالرقمتین
کلانا ناظر قمر و لکن رأیت بعینها و رأیت بعینی

ترجمه

ماه آسمان را دیدم پس بیادم انداخت شبهای موصلتش را (با من) که در رقتین واقع شدند . (رقتین) نام جایی است . در حالیکه هر دو مان یک ماه نظر میکردیم ولی او بچشم من مینگریست و من بچشم او یعنی هر یک از ما عمل رؤیت را بدیده دیگری انجام میدادیم .

توضیح

مقدمه - محقق است دو دوست هنگامی که مصادقه و محبت را بسرحد کمال رسانیدند هر یک بطور قطع اختیار خود را از دست داده و هر کاری که ظاهراً از او

۱- علامه بیتوشی علاوه بر مقطوعات و رسائل دارای ۱۹ تألیف مفید و ارزنده است که یکی از آنها کتاب «کفایة المعانی» میباشد این کتاب منظومه‌ای است که علامه بیتوشی آنرا در بیان معانی حروف در سال ۱۱۹۱ در شهر احساء برای حاکم آنجا : (سیداحمد پسر سید عبدالله پسر محمد) انصاری حزر جی نظم نموده است و خود منظومه ۶۷۲ بیت است و دارای اسلوب رشیق . متین عبارات . سهل الفهم . مشتمل بر فن و صنعت و مهارت ادبی است و در سال (۱۲۸۹ هـ) در شهر استانبول بطبع رسیده و در عالم اسلام منتشر شده و حدیث راویان علم و ادب گشته است و خود بیتوشی باین شعر : ابیاتها محکمة رسیته . مجموعهها « لؤة لؤة ثمنیة » اشاره بتعداد ایساتش مینماید و عبارت « لؤة لؤة ثمنیة » بحباب جمل و ابجد ، ۶۷۲ بیت میشود .

سرزند محبوبش را مصدر اصلی آن دانسته و شخص خود را فقط يك آلت که در انجام عمل سبب جزئی داشته قلمداد مینماید :

نی که هر دم نغمه آرائی کند

در حقیقت از دم نائی کند

حتی در بعضی مواقع ذات خود را کان لم یکن انگاشته و دوست را نوی پیراهنش می‌پندارد .

«لیس فی جبتی الا الله» از پندارهای صوفیه . و این امر در کلام عاشقین بیشتر از آنست که شمرده شود مثلاً :

شعر

مرا با وجود تو هستی نماید بیاد توام خود پرستی نماید

گرم جرم بینی مکن عیب من توئی سر بر آورده از جیب من

پس معلوم است وقتی که عاشق ادعا کرد که سرمعشوق بجای سراو از گریبانش بیرون آمده البته ادعا خواهد کرد که با چشم او نیز اطراف را مینگرد و چیزها را می‌بیند چه اگر سراز آن معشوقه باشد یقین چشم هم از او خواهد بود و براینمئوال است حال معشوق یعنی هر دو بچشم یکدیگر نظر میکنند و بدست یکدیگر کار را انجام میدهند اینمقال باحدیث قدسی :

«فانما احببته کنت سمعه و بصره الخ» بی‌مناسبت نیست .

مقصود - بهتر اینست که گفته شود در این مصرع بعلت ضرورت شعر و توافق قوافی تقدیم و تأخیر است که پیش اهل نظر نمایانست بنابراین اصلاً شعر این جور بوده است :

(رأت بعینی ورأیت بعینها) و نظایر این عمل در اشعار بسی اتفاق میافتد مانند :

ناتمام

کیومرث - لهراسبی

از سخنان جان پرور مهربابا

تنها در دنیا يك عشق حقیقی و پایدار وجود دارد و آنهم عشق بی‌روردگار است و هرچه این عشق قوی‌تر و نیرومندتر باشد اشتیاق شناخت و وصول به منبع حقیقت در انسان شدیدتر میگردد. از خودگذشتگی و فداکاری واقعی آنست که از کلیه خواهشهای نفسانی و تمایلات خودخواهانه صرف نظر نمائیم.

معرفت حقیقی آنست که بدانیم خداوند در تمام موجودات وجود دارد در این صورت باید تمام مخلوقات را بایک چشم نگریده بدون در نظر گرفتن زمان و مکان و موقعیت همرا بیک نحو کمک و مساعدت نمائیم و انتظار هیچگونه پاداشی نداشته باشیم، همرا چون خواهران و برادران خویش با قلبی خالی از نفرت و دشمنی دوست بداریم و هیچکس را از طریق اندیشه و گفتار و کردار نیازاریم حتی آنانکه مارا آزرده‌اند. تسلط و توانائی حقیقی عبارت است از پیروزی بر هوسهای نفسانی و امیال شهوانی که موجب سقوط انسانی به پست‌ترین درجات عالم حیوانی میگردد. تسلیم حقیقی عبارت از آنست که شدائد و سختیها را با آرامش خاطر و بردباری تحمل نموده و وقوع هر حادثه ایرا میل و خواسته خداوند بدانیم.

هستی از حقیقت کلی است اما زندگی خواب و خیالی بیش نیست. هستی پایدار و جاویدان است اما زندگی بی‌ثبات و موقتی است. هستی تغیر ناپذیر است اما حیات دائم‌التغییر است. هستی مستقل است اما زندگی وابسته فکر و خیال و تشکیلات بدنی است. هستی عین هست است اما زندگی بظاهر مشهود میباشد.

اگر ایمانی محکم و عشق آتشینی بخداوند داشته باشید هیچ چیز در این دنیا شمارا آزرده نخواهد کرد و بدبختی و بیچارگی در شما تأثیر نخواهد نمود، سعادت و خوشبختی شمارا مغرور نخواهد کرد زیرا که درك خواهید نمود که هستی حقیقی تنها ذات پروردگار است و بس.

شیخگیری ، بابگیری

عنوان کتاب نفیس و سودمندی است که اخیراً زینت بخش عالم دانش و مطبوعات گردیده و دانش پژوهان و نکته بینانی که همواره انتشار يك اثر تحقیقی تاریخی و علمی را بدون تعصبات ناروای جاهلانه و قیودی دیگر که شرح آن از حوصله این سطور خارج است دارند میتوانند از آن بهره‌ها برگیرند و از دو موضوع شیخگیری و بابگیری که سالهاست مورد بحث مورخان و محققان است از نظر فلسفی ، تاریخی و اجتماعی نیکو آگاه گردند .

در بازار کاسد دانش و فرهنگ که هر روز مطالبی پریشان و مباحثی ناسودمند بوسیله مدعیان ناآزموده نویسنده گی و یاوه سرایان مبتدی بصورت کتاب یا دیوان بخوانندگان ساده لوح و بی اطلاع عرضه میگردد جای بسی خرسندی است که گاه و بیگاه اثر ارزنده و مفیدی بطالبان علم و ادب تقدیم میگردد .

نویسنده توانا و محقق دانشمند آقای مدرسی چهاردهی با تحقیق و تألیف و انتشار دهها کتاب آموزنده علمی و ادبی و نگارش صدها مقالات فاضلانه در مطبوعات مهم کشور بویژه مجله ادبی ارمغان که نموداری از شور و پشتکار خلل ناپذیر معظم له میباشد خدمات گرانبهائی بفرهنگ و معارف کشور انجام داده و پیوسته دانش پژوهان و ادب دوستان را از تبعات و مطالعات وسیع خویش مستفید و بهره‌مند ساخته‌اند .

شرح حال و فلسفه سیاسی و اجتماعی دانشمند نامدار سید جمال الدین اسدآبادی فلسفه حاج ملاهادی سبزواری ، کتاب سیمای بزرگان ، ابن خلدون و فلسفه اجتماعی او ، سیر حکمت و عرفان در ایران باستان ، علم کلام ، تاریخ مختصر فرقه‌های اسلامی ، و اخیراً شیخگیری ، بابگیری نمونه‌ای از دهها تألیف پرارزشی است که مورد استفاده اهل فضل و دانش قرار گرفته است .

خدمات بی‌شایبه استاد ارجمند آقای مدرسی چهاردهی بدانش و فرهنگ کشور پیوسته مورد تحسین و ستایش فضایی دور و نزدیک بوده و مانیز آرزو مندیم که در طریق خدمتگزاری به عالم علم و ادب بیش از پیش موفق و کامیاب باشند .

فهرست مندرجات دوره سی و پنجم

شماره اول

صفحه	نگارنده	عنوان
۱	از : وحیدزاده نسیم	(۱) دوره سی و پنجم
۴	استاد سخن : وحید دستگردی	(۲) یکنزل شیوا
۶	آقای : عبدالرفیع حقیقت (رفیع)	(۳) نهضت‌های ملی ایران
۱۱	آقای : دکتر علی مظاهری	(۴) رساله الفاظ الحکمة
۱۵	آقای : مرتضی مدرسی چهاردهی	(۵) سیر حکمت و عرفان در ایران باستان
۱۹	آقایان : اسدالله ذوقی و عزت‌الله احلاقی	(۶) دو نامه خواندنی
۳۲	آقای : پژمان بختیاری	(۷) نامه وارده
۳۴	آقای : علی نقی بهروزی	(۸) رفع اشتباه
۳۶	آقایان : پارسا تویسرکانی ، شهاب	(۹) انجمن ادبی حکیم نظامی
۳۷	آقایان : کی‌منش ، آزاده ، سخا	(۱۰) معاصران
۴۰	از : محمد وحید دستگردی	(۱۱) اپیکور
۴۳	مرحوم : میرزا محمد علی چهاردهی	(۱۲) تاریخ فرقه‌های اسلامی
۴۷		(۱۳) کتابخانه ارمغان

شماره دوم

۴۹	آقای : محیط طباطبائی	(۱) نظری بادیات فارسی
۵۹	آقای : مدرسی چهاردهی	(۲) سیر حکمت و عرفان در ایران باستان
۶۲	آقای : عبدالرفیع حقیقت (رفیع)	(۳) نهضت‌های ملی ایران
۶۷	استاد سخن : وحید دستگردی	(۴) یکنزل شیوا
۶۸	آقای : دکتر علی مظاهری	(۵) رساله الفاظ الحکمة

صفحه	نگارنده	عنوان
۷۴		(۶) کانون دانش پارس
۷۷	آقای : طاهری شهاب	(۷) وصالی ساروی
۸۱	بانو : پوراندهخت حسینزاده	(۸) نامه وارده
۸۴		(۹) مهر بابا
۸۶	آقای : موبد آذرگشوب	(۱۰) دنباله سخنی راجع بواژه های اوستا...
۹۱	آقای : ذکائی بیصائی	(۱۱) انجمن حکیم نظامی
۹۲	آقای : خسرو عندلیب	(۱۲) معاصران
۹۳	مرحوم : میرزا محمدعلی چهاردهی	(۱۳) تاریخ مختصر فرقه های اسلامی
۹۵		(۱۴) کتابخانه ارمغان

شماره سوم

۹۷	استاد سخن : وحید دستگردی	(۱) افراط و تفریط در املاء و انشاء
۱۰۴	آقای : عبدالرفیع حقیقت (رفیع)	(۲) نهضت های ملی ایران
۱۱۰	آقای : م . اورنگ	(۳) بازهم درباره اوستایا آویستا
۱۱۵	آقای : مدرسی چهاردهی	(۴) سیر حکمت و عرفان در ایران باستان
۱۱۹	آقای : دکتر علی مظاهری	(۵) رساله الفاظ الحکمة
۱۲۲	آقای : حشمت زاده	(۶) چکامه کانون دانش پارس
۱۲۴	ترجمه : احمد وفا	(۷) ازدواج زنان در کشور کامرون
۱۲۷	ترجمه خانابا طباطبائی نائینی	(۸) ج ج . ولز
۱۳۰	آقایان : فرات ، ساعی ، حقیقت	(۹) انجمن حکیم نظامی
۱۳۳	آقایان : ساجدی ، صفاری . گویا	(۱۰) معاصران

صفحه	نگارنده	عنوان
۱۳۵	مرحوم ، میرزا محمدعلی چهاردهی	(۱۱) تاریخ مختصر فرقه‌های اسلامی
۱۳۸		(۱۲) محمود میرزا
۱۴۰	آقای : طاهری شهاب	(۱۳) طاهر مازندرانی

شماره چهارم

۱۴۵	آقای : محمد محیط طباطبائی	(۱) مرداد است نه امرداد :
۱۵۹	استاد سخن : وحید دستگردی	(۲) سخن کدام است
۱۶۱	آقای : عبدالرفیع حقیقت (رفیع)	(۳) نهضت‌های ملی ایران
۱۶۹	آقای : عبدالحسین سپنتا	(۴) نقش‌نو
۱۷۰	آقای : مدرسی چهاردهی	(۵) سیر حکمت و عرفان در ایران باستان
۱۷۷	آقای : دکتر علی مظاهری	(۶) رساله الفاظ الحکمة
۱۸۱	آقای : پارسای تویسرکانی	(۷) انجمن حکیم نظامی
۱۸۲	آقای : علی جواهر کلام	(۸) خاطره‌ای از فرهنگستان
۱۸۵	آقای : محمد حعفر واجد	(۹) سخن عشق
۱۸۶	آقای : کی‌منش	(۱۰) معاصران
۱۸۸	آقای : م . اورنگ	(۱۱) پرچم و پیکره شیر و حورشید
۱۹۰	مرحوم : میرزا محمدعلی چهاردهی	(۱۲) تاریخ مختصر فرقه‌های اسلامی

شماره پنجم و ششم

۱۹۳	آقای : محمد محیط طباطبائی	(۱) نظری بتاریخ ایران
-----	---------------------------	-----------------------

صفحه	نگارنده	عنوان
۲۰۲	استاد سخن : وحید دستگردی	(۲) يك چكامه شيوا
۲۰۹	آقای : عبدالرفيع حقيقت (رفيع)	(۳) نهضت‌های ملی ایران
۲۱۴	آقای : ابراهيم صفائي	(۴) ادعای معمول
۲۱۸	آقای : مدرسی چهاردهی	(۵) حافظ خراباتی
۲۲۲	آقای : دکتر علی مطاهری	(۶) رساله الفاظ الحکمة
۲۲۶	نرحمہ : محمد وحید دستگردی	(۷) افلاطون
۲۳۸	آقای : عبدالحسين سپنتا	(۸) حس بشر دوستی تاچه حد . . .
۲۴۲	آقای : دکتر قوڪاسيان	(۹) منظومه ابوالملای معری
۲۵۰	آقایان : شيفته، مزارعی، دکتر وصال	(۱۰) کانون دانش پارس
۲۵۱	مرحوم : میرزا محمد علی چهاردهی	(۱۱) تاریخ مختصر فرقه‌های اسلامی
۲۵۴	آقای : پژمان بختیاری	(۱۲) نامه وارده
۲۵۷	انجمن : دوستداران حق و حقیقت	(۱۳) مهربا با
۲۵۹	آقایان : پارسا . فرات ، نسیم	(۱۴) انجمن حکیم نظامی
۲۶۲	آقایان : ساحدی، سها ، گویا ، صفاری	(۱۵) معاصران
۲۶۶	آقای ، طاهری شهاب	(۱۶) طوفان هزار حریبی
۲۷۴	آقای : خانبا با طباطبائی نائینی	(۱۷) گوشه چشمی بمالم حواب ورؤیا
۲۷۹	مرحوم : قویم الدوله	(۱۸) انواع نظم

شماره هفتم

۲۸۹	استاد سخن: وحید دستگردی	(۱) افراط و تفریط در انشاء
۲۹۸	آقای : محمد محیط طباطبائی	(۲) سید و اتابک

صفحه	نگارنده	عنوان
۳۰۴	آقای : مدرسی چهاردهی	(۳) ورقی از تاریخ تصوف و عرفان
۳۰۸	آقای : عبدالرفیع حقیقت (رفیع)	(۴) نهضت‌های ملی ایران
۳۱۵	آقای : امام نجفی	(۵) چگونگی آفرینش
۳۱۹	آقای : دکتر قوکاسیان	(۶) منظومه ابوالملائی معری
۳۲۴	آقای : عبدالحسین سبنا	(۷) درود و پیام به ربیکا
۳۲۷	آقای : م. اورنگ	(۸) کردشناسی
۳۳۱	آقای : دکتر علی مظاهری	(۹) رساله الفاظ الحکمة
۳۳۴		(۱۰) قرارداد حدید و بهره برداری از منابع نفت
۳۳۶		(۱۱) از سخنان مهربابا

شماره هشتم

۳۳۷	آقای : دکتر لطفعلی صورتگر	(۱) عرفان و ذوق ایرانی
۳۴۲	آقای : عبدالرفیع حقیقت (رفیع)	(۲) نهضت‌های ملی ایران
۳۴۷	استاد سخن : وحید دستگردی	(۳) یکفزل شیوا
۳۴۸	آقای : طباطبائی نائینی	(۴) مقام نور در طبیعت
۳۵۲	آقای : مدرسی چهاردهی	(۵) ورقی از تاریخ تصوف و عرفان
۳۵۶	آقای : م. اورنگ	(۶) پیشینه کردها
۳۵۹	آقای : دکتر قوکاسیان	(۷) منظومه ابوالملائی معری
۳۶۳	ترجمه : محمد وحید دستگردی	(۸) جایزه نوبل
۳۶۹	آقای : دکتر علی مظاهری	(۹) رساله الفاظ الحکمة

صفحه	نگارنده	عنوان
۳۷۲	آقایان : پارسا ، آزاد ، بهروزی ، شهاب	(۱۰) انجمن حکیم نظامی
۳۷۴	آقایان : حسرت : معمائی، فنائی	(۱۱) معاصران
۳۷۶	آقای : خسرو مهرداد	(۱۲) تلخیصی از سخنان مهر بابا
۳۷۷		(۱۳) نفت ایران
۳۸۰	مرحوم : میرزا محمدعلی چهاردهی	(۱۴) تاریخ مختصر فرقه‌های اسلامی
۳۸۲	آقای : علی‌نقی بهروزی	(۱۵) کانون دانش پارس
۳۸۳		(۱۶) کتابخانه ارمنان

شماره نهم

۳۸۵	از : وحیدزاده نسیم	(۱) سخنوران بی‌بدیل
۳۸۸	استاد سخن : وحید دستگردی	(۲) یکقطعه شیوا
۳۸۹	آقای : عبدالرفیع حقیقت (رفیع)	(۳) نهضت‌های ملی ایران
۳۹۶	آقای : مدرسی چهاردهی	(۴) ورقی از تاریخ تصوف و عرفان
۴۰۰	آقای : دکتر علی‌مطاهری	(۵) رساله الفاظ الحکمة
۴۰۳	آقای : خان‌بابا طباطبائی نائینی	(۶) مقام نور در طبیعت
۴۰۹	آقای : دکتر قوکاسیان	(۷) منظومه ابوالعلائی معری
۴۱۳	ترجمه: محمد وحید دستگردی	(۸) جایزه نوبل
۴۱۸	آقای : طاهری شهاب	(۹) میر صبحی مازندرانی
۴۲۰	آقایان : آزاد ، مزده ، آذر	(۱۰) انجمن حکیم نظامی
۴۲۲	آقایان : صفاری ، فریدون وحید	(۱۱) معاصران
۴۲۳	مرحوم : میرزا محمدعلی چهاردهی	(۱۲) تاریخ مختصر فرقه‌های اسلامی

صفحه	نگارنده	عنوان
۴۲۶	آقای : عطاءالله تدین	(۱۳) حاج علی کیلانی (درویشعلی)
۴۲۸	مرحوم : قویم الدوله	(۱۴) یادی از حیدرعلی کمالی
۴۳۱	آقای : خسرو مهرداد	(۱۵) از سخنان دلفروز مهر با با
۴۳۲		(۱۶) کتابخانه ارمغان

شماره دهم

۴۳۳	وحیدزاده نسیم	(۱) روزگار شاعری و نویسندگی !
۴۳۶	آقای : عبدالرفیع حقیقت (رفیع)	(۲) نهضت‌های ملی ایران
۴۴۳	آقای : مدرس چهاردهی	(۳) ورقی از تاریخ تصوف و عرفان
۴۴۸	ترجمه : محمود وحید دستگردی	(۴) برندگان جایزه نوبل
۴۵۳	استاد سخن : وحید دستگردی	(۵) يك قطعه شیوا
۴۵۴	آقای : طاهری شهاب	(۶) اختر مازندرانی
۴۵۷	آقای : محمد جنابزاده	(۷) نگاهی بتاريخ فلاسفه اسلام
۴۶۷	_____	(۸) ایران در نمایشگاه جهانی مونترال
۴۷۰	آقای : محمد صالح ابراهیمی محمدی	(۹) تجزیه و تحلیل دو شعر از نظر علم و عرفان
۴۷۲	آقای : کیومرث لهراسبی	(۱۰) از سخنان جان پرور مهر با با
۴۷۳	_____	(۱۱) کتابخانه ارمغان
۴۷۴	_____	(۱۲) فهرست مندرجات دوره سی و پنجم